



## مواجهه اندیشه سیاسی ترکیه و ایران در بحران سوریه؛ تضادها و اشتراکها

اصغر شاکری<sup>۱</sup> | عبدالحسین الله‌کرم<sup>۲</sup> | مصطفی ساوه درودی<sup>۳</sup> | ابراهیم خلیلی<sup>۴</sup>

### چکیده

سوریه از مهم‌ترین کشورهای منطقه شامات بوده که تحولات آن برای کشورهای منطقه از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است. در تحلیل معادلات منطقه‌ای، این کشور به‌خصوص در طول یک دهه گذشته درگیر در بحران تروریستی، اهمیت زیادی در شکل‌گیری سیاست‌های سایر کشورهای منطقه‌ای از جهات تعارض یا اشتراک منافع به‌ویژه بین ایران و ترکیه داشته است. بخش زیادی از تقابل‌ها و اشتراک‌های ایران و ترکیه در سوریه دهه گذشته، منبعت از مواجهه دو اندیشه سیاسی متفاوت حاکم بر دو کشور (اندیشه شیعی ایرانی و سکولار ترکی) است. پژوهش حاضر باهدف شناسایی تضادها و اشتراک‌های مواجهه اندیشه سیاسی ترکیه و ایران در بحران سوریه و با استفاده از روش تحقیق تحلیل گفتمان شکل گرفت. ابزار پژوهش شامل متون گفتاری و نوشتاری بوده و جامعه آماری پژوهش به دو بخش اسنادی (متون نوشتاری) و میدانی (متون گفتاری) تقسیم شده است. در بخش اسنادی استفاده از به‌روزترین و معتبرترین منابع و متون موجود و در بخش میدانی مصاحبه با ۱۱ نفر از صاحب‌نظران انجام شده است. یافته‌های پژوهش نشان می‌دهند که «نفوذ و تأثیرگذاری محوری در معادلات سوریه»، «ایفای نقش مستقیم در بقایا عدم بقای دولت مرکزی این کشور» و «حفظ تمامیت ارضی خود از طریق مسئله کردها» به‌عنوان اشتراک‌های اندیشه‌های سیاسی سکولار ترکی و شیعی ایرانی در بحران سوریه محسوب می‌شوند. همچنین «نوع حمایت از گروه‌های تأثیرگذار در بحران سوریه از جمله گروه‌های اخوان‌المسلمین و علویان سوریه»، «نوع نگاه اندیشه‌های به بحران‌ها و انقلاب‌های کشورهای عربی»، «نوع نگاه و حمایت از گروه‌های مقاومت اسلامی در سطح منطقه» و «نوع نگاه اندیشه‌ای به الگوی حکمرانی در منطقه» از مهم‌ترین تضادهای اندیشه‌های سیاسی سکولار ترکی و شیعی ایرانی در بحران سوریه است.

**کلیدواژه‌ها:** اندیشه سیاسی؛ بحران سوریه؛ سکولار ترکی؛ شیعی ایرانی؛ تضادها؛ اشتراک‌ها.

۱. نویسنده مسئول: دانشجوی دکتری اندیشه سیاسی دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران مرکز، تهران، ایران

shakeri.asghar09@gmail.com

۲. استادیار اندیشه سیاسی دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران مرکز، تهران، ایران

۳. دانشیار علوم سیاسی دانشکده علوم و فنون فارابی، تهران، ایران

۴. استادیار مدیریت آموزش عالی دانشکده علوم و فنون فارابی، تهران، ایران

## مقدمه و بیان مسئله

سوریه یکی از کشورهای مهم در معادلات منطقه‌ای بین قدرت‌های اثرگذار در غرب آسیا و حتی معادلات بین‌المللی بوده که از جایگاه ویژه‌ای به لحاظ سیاسی، اجتماعی و مذهبی در منطقه شامات برخوردار است. در تحلیل معادلات منطقه‌ای این کشور اهمیت بسیار زیادی در شکل‌گیری سیاست‌های سایر کشورهای منطقه‌ای از جهات تعارض یا اشتراک منافع به‌ویژه بین ایران و ترکیه دارد. این اهمیت و شکل‌گیری تقابلهای سیاستی در زمان سوریه درگیر در بحران تروریستی (۲۰۱۹-۲۰۱۲) بسیار بیشتر، کلان‌تر و با وضوح قابل مشاهده است. بدون شک بخشی زیادی از تقابل‌ها و اشتراکات ایران و ترکیه در سوریه در دهه گذشته، منبعث از اندیشه سیاسی حاکم بر دو کشور بوده که می‌توان به راحتی نمودهای مشخصی از مواجهه اندیشه شیعی ایرانی و سکولار ترکی را مشاهده نمود. ایران و ترکیه به‌عنوان دو قدرت منطقه‌ای مستقیماً در بحران سوریه وارد شده و هرکدام بعضاً سوگیری‌ها و صف‌بندی‌های خاصی را دنبال می‌نمایند. به‌طور سنتی روابط ترکیه-سوریه روابط نزدیکی نبوده است. نفوذ بالای سوریه در لبنان و هم‌پیمانی با ایران خوشایند ترکیه نیست. با شروع بحران سوریه در سال ۲۰۱۲ ترکیه به جرگه مخالفان رژیم اسد پیوست.

نکته‌ای که سیاست‌گذاران ترکیه در سیاست منطقه‌ای خود به آن توجه می‌کنند تحولات و دگرگونی‌های عمده‌ای چون قدرت‌یابی شیعیان در عراق است که از منظر منافع و اهداف منطقه‌ای ترکیه اهمیت بسیار دارد. این تحولات به تغییراتی در محیط منطقه‌ای ترکیه منجر شده که در جهت برهم خوردن توازن قدرت منطقه‌ای به زیان این کشور و به سود ایران تعبیر می‌شود. ترکیه با حمایت از معارضین سوری و ایفای نقش فعال در کنترل و هدایت بحران سوریه سعی دارد جایگاه خود را در این کشور ارتقاء داده و با اعمال نفوذ در میان جمعیت سنی به آنان کمک کند تا قدرت را در این کشور به دست گیرند. ترکیه همانند عربستان سعودی به شدت نگران نفوذ منطقه‌ای ایران به‌خصوص در میان شیعیان است و تلاش می‌کند تا نقش و نفوذ آن را کاهش دهد. برای جمهوری اسلامی ایران نیز، سوریه از اهمیت بالایی برخوردار است. از ابتدای شکل‌گیری بحران سوریه، دولت سوریه همواره روابط نزدیک و همکاری‌جویانه‌ای با ایران داشته است. از بعد دیگر اهمیت سوریه برای ایران، اتخاذ سیاست مقابله‌جویانه این کشور در برابر رژیم صهیونیستی است

که از لحاظ راهبردی دولت سوریه را در کنار ایران، حزب‌الله و حماس جزئی از جریان مقاومت قرار داده است.

با این توصیف، اهمیت کشور سوریه در کشمکش‌های منطقه‌ای از یک سو و رقابت منطقه‌ای و نیابتی شکل گرفته در بحران سوریه بین دو کشور ایران و ترکیه از سوی دیگر، نیاز پرداختن به موضوع این مطالعه را تبیین می‌نماید. به عبارت دیگر، با عنایت به اینکه تضاد و اشتراک منافع کشورها ناشی از اندیشه سیاسی حاکم بر آن کشورهاست مهم‌ترین دغدغه محققان در این پژوهش، شناسایی اندیشه‌های سیاسی پشتیبان رفتارها و راهبردهای دو کشور ایران و ترکیه در بحران سوریه است تا مشخص نماید که دو کشور دارای چه تضادها و اشتراک‌های اندیشه‌ای در بحران سوریه هستند.

با توجه به اینکه اندیشه‌های این دو کشور ناشی از ایدئولوژی‌های حاکم بر دو کشور بوده و به عبارتی ایدئولوژی‌های سکولار ترکی و شیعی ایرانی، تبیین‌کننده رفتارهای دو طرف در بحران سوریه هستند این دو به‌عنوان متغیرهای اصلی پژوهش بر اندیشه‌های سیاسی بکار گرفته شده هر دو در بحران سوریه دخیل هستند. با این توصیف این پژوهش سعی دارد ابتدا دو گفتمان متفاوت ناشی از اندیشه شیعی ایرانی و سکولار ترکی را احصاء نموده و سپس با استفاده از رویکرد تحلیل گفتمان به تحلیل میان‌متنی و محتوایی این دو اندیشه متفاوت بر اساس بسترها و واقعیات اجتماعی دو کشور بپردازد. به همین دلیل مسئله اساسی این پژوهش که دغدغه نگارندگان را در بر دارد شامل دو سؤال پژوهشی زیر است:

- ۱- اشتراک‌های اندیشه‌های سیاسی سکولار ترکی و شیعی ایرانی در بحران سوریه چیست؟
- ۲- تضادهای اندیشه‌های سیاسی سکولار ترکی و شیعی ایرانی در بحران سوریه چیست؟

## اهمیت و ضرورت تحقیق

اهمیت اصلی این پژوهش به ایجاد شناخت لازم از تقابل دو اندیشه سکولار ترکی و شیعی ایرانی در منطقه غرب آسیا به‌ویژه سوریه برمی‌گردد. در واقع این پژوهش می‌تواند با ایجاد آگاهی لازم از اندیشه‌های سیاسی ایران و ترکیه، بسترساز شناخت تضادها و اشتراک‌های اندیشه‌ای دو طرف در بحران سوریه قرار گیرد. در ادامه به شناخت دلایل ناهمگونی سیاست‌های منطقه‌ای ایران و ترکیه کمک خواهد نمود و باعث ایجاد افزایش دانش سیاستمداران، تصمیم‌گیران و صاحب‌نظران در مطالعات منطقه‌ای به‌ویژه خاورمیانه و غرب آسیا می‌گردد. ضرورت تحقیق در

واقع به وجوب شناخت پیامدهای تقابل اندیشه‌ای ایران و ترکیه به‌عنوان بازیگران اصلی و محوری در بحران سوریه برای اتخاذ تاکتیک‌ها و تدابیر مناسب‌تر در سوریه برمی‌گردد. به همین دلیل عدم انجام این پژوهش ممکن است منجر به تصویرسازی نامناسب از رفتارهای ایران و ترکیه در سوریه کنونی گردد و منافع متعارض در سوریه که سبب‌ساز شکل‌گیری اندیشه‌های متفاوت هستند را به‌خوبی ترسیم ننماید و روشن‌گری واقعی از تقابل دو اندیشه موردبحث بر اساس بسترهای تاریخی و اجتماعی شکل‌دهنده صورت نپذیرد.

### پیشینه تحقیق

سه دسته از منابع مرتبط با این پژوهش قابل‌شناسایی است. این سه دسته منابع به تفکیک شامل منابع مطالعاتی مربوط به اندیشه‌های سیاسی ترکیه، ایران و رفتارشناسی این دو کشور در ترکیه است. با این توضیح، مهم‌ترین منابع تحقیقاتی که برای تدوین این پژوهش مورد بررسی و مذاقه قرار گرفته است به شرح جدول ۱ است.

جدول ۱: مهم‌ترین پیشینه‌های تحقیقاتی و یافته‌های آنان

ردیف	عنوان پژوهش	نگارندگان/محققان	سال انتشار	مهم‌ترین یافته‌های پژوهش
۱	تحلیل ژئوپلیتیکی رقابت-های ایران و ترکیه متأثر از تحولات خاورمیانه از سال ۲۰۱۱ میلادی	مجیدروحی دهبه	۱۳۹۷	رقابت سه ضلعی منطقه خاورمیانه میان ایران، ترکیه و عربستان در بحران سوریه شکل‌گرفته است. معتقد است رقابت مهم و تأثیرگذاری در منطقه از آغاز بحران سوریه بین ایران و ترکیه چه از لحاظ ژئوپولتیک و ایدئولوژیک آغاز شده است.
۲	واکاوی سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران در قبال بحران سوریه: چالش‌ها	حسن مسعودنیا و شهروز ابراهیمی	۱۳۹۷	به پیامدهای مثبت و منفی در سناریوهای متحمل از سوی کشورهای منطقه و فرمانطقه در

جدول ۱: مهم‌ترین پیشینه‌های تحقیقاتی و یافته‌های آنان

ردیف	عنوان پژوهش	نگارندگان/محققان	سال انتشار	مهم‌ترین یافته‌های پژوهش
	و پیامدها			بحران سوریه اشاره شده است.
۳	نقش راهبردی ترکیه در تحولات خاورمیانه (مطالعه موردی بحران سوریه)	محمدصادق کوشکی و مریم گودرزی	۱۳۹۵	به دلایل قیام‌های مردم منطقه خاورمیانه اشاره شده و اهمیت و جایگاه سوریه در بهار عربی و همچنین دخالت‌های کشورهای منطقه و فرامنطقه در بحران سوریه آمده است.
۴	سیاست خارجی ترکیه در قبال بحران سوریه و امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران	روح‌الله شکری و سیدعلیرضاعزیز موسوی	۱۳۹۴	به ریشه‌های شکل‌گیری بحران سوریه از جمله معیشت مردم، تبعیض و بی‌عدالتی اشاره شده است. ترکیه با ادعای حمایت از حقوق بشر، اصلاحات و مردم‌سالاری در پی کسب منافع بیشتر از بحران سوریه است.
۵	کار ویژه تحولات سوریه در امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران	محمدرضا حاتمی	۱۳۹۴	بحران سوریه تهدیدی علیه امنیت ملی ایران بوده و ایران تلاش دارد تا با حل بحران سوریه و موازنه-سازی قدرت، در مبادلات منطقه ایفای نقش کند.
۶	نقش ترکیه در بهار عرب و درگیری سوریه	شینرآک تورک <sup>۱</sup>	۲۰۱۷	به نقش ترکیه در دموکراتیک‌سازی بهار عربی خاورمیانه پرداخته و به اهمیت ژئوپلیتیکی ترکیه پس از پایان جنگ سرد در منطقه غرب خاورمیانه

1 Shener Ak

جدول ۱: مهم‌ترین پیشنهادها و یافته‌های تحقیقاتی و یافته‌های آنان

ردیف	عنوان پژوهش	نگارندگان/محققان	سال انتشار	مهم‌ترین یافته‌های پژوهش
				پرداخته است.
۷	سیاست ایران در جنگ داخلی سوریه	امیرمحمد حاجی - یوسفی <sup>۱</sup>	۲۰۱۷	به دلایل شکل‌گیری بحران سوریه (نوع حکومت، معیشت و بی‌عدالتی) پرداخته و در ادامه سیاست‌های ایران در مواجهه با بحران سوریه تشریح شده است.
۸	ترکیه و کردها: درگیری با حزب کارگران کردستان و پیامدهای روابط ترکیه و ایالات متحده	میچایل چیتندن <sup>۲</sup>	۲۰۱۷	عمده‌ترین مباحث به جلوگیری از خودمختاری کردهای سوریه و همچنین مبارزه با پ.ک.ک با حمایت‌های غرب اختصاص دارد.
۹	ترکیه در سوریه چه می‌خواهد و چرا؟	سوات کینلیلی اوغلو <sup>۳</sup>	۲۰۱۶	هدف اصلی ترکیه در سوریه، سرنگونی رژیم سوریه بوده و هدف دوم ترکیه جلوگیری از ظهور یک نهاد سیاسی مستقل کردی در سوریه است.
۱۰	جنگ داخلی سوریه و روابط ترکیه و سوریه و ایران	اوزدن زینب اوکتاو <sup>۴</sup>	۲۰۱۶	به نقش ترکیه در حمایت اخوان-المسلمین پرداخته و دلایل حمایت ترکیه از مخالفین سوریه را، طرفداری ترکیه از تشکیل دولت سنی در سوریه عنوان نموده است.

باتوجه به اهداف ترسیمی برای این پژوهش و همچنین جمع‌بندی ارائه شده از پیشنهادها و یافته‌های تحقیقاتی مورد بحث در بخش قبلی، به نظر می‌رسد این پژوهش در هر سه حوزه قلمرو مکانی پژوهش، قلمرو موضوعی پژوهش و قلمرو زمانی پژوهش دارای نوآوری است. به لحاظ موضوعی، این پژوهش باتوجه به اینکه تقابل دو اندیشه سیاسی سکولار ترکی و شیعی ایرانی را

1 Haji Yousefi  
2 Chittenden  
3 Kinikli Oglu  
4 Oktav

مورد بحث و تحلیل قرار خواهد داد دارای نوآوری است. به لحاظ مکانی، شاید در خصوص این دو اندیشه به صورت تفکیک، تحقیقاتی کم‌وبیش صورت گرفته باشد لیکن در حوزه تقابل این دو اندیشه در محل فعلی سوریه درگیر بحران تروریسم نیز تحقیق جامعی صورت نگرفته است. از نظر زمانی نیز این پژوهش با توجه به بررسی نوع تقابل و کیفیت آن در حداکثر یک دهه گذشته با متغیرهای متفاوت محیطی و میدانی در سوریه، دارای نوآوری در قلمرو زمانی است. از این رو مطالعه حاضر در تلاش است که با پوشش دادن به نوآوری‌های برشمرده شده، به نوعی شکاف‌های تحقیقاتی را پوشش دهد.

## روش تحقیق

این پژوهش در زمره راهبردهای کیفی با استفاده روش تحلیل گفتمان قرار دارد. بر اساس نظر کرسول (کرسول ۱۳۸۸: ۳۰۵)، جامعه آماری این پژوهش شامل کلیه مقاله‌ها، کتاب‌های اساسی و مرجع، پژوهش‌های کاربردی (به‌عنوان متون نوشتاری) و نظرات، تفاسیر و اندیشه‌های صاحب‌نظران (به‌عنوان متون گفتاری) است. متون گفتاری پژوهش بر اساس یازده مصاحبه میدانی انجام شده به شرح جدول ۲ حاصل شده است.

جدول ۲: مسئولیت، مرتبه علمی و کد اختصاصی اعضای نمونه گفتاری پژوهش

ردیف	مرتبه علمی	مسئولیت	دلیل مصاحبه	کد اختصاصی
۱	استادیار	عضو هیئت‌علمی دانشگاه شهید بهشتی	دارای تألیفات متعدد در حوزه مسائل ترکیه	(۱)
۲	استادیار	عضو هیئت‌علمی دانشگاه عالی دفاع ملی	کارشناس مسائل ترکیه	(۲)
۳	دانشیار	عضو هیئت‌علمی دانشگاه عالی دفاع ملی	کارشناس مسائل ترکیه	(۳)
۴	استادیار	عضو هیئت‌علمی دانشگاه امام حسین (ع)	کارشناس مسائل سوریه	(۴)
۵	استادیار	عضو هیئت‌علمی دانشگاه امام حسین (ع)	کارشناس مسائل سوریه	(۵)

جدول ۲: مسئولیت، مرتبه علمی و کد اختصاصی اعضای نمونه گفتاری پژوهش

ردیف	مرتبه علمی	مسئولیت	دلیل مصاحبه	کد اختصاصی
		حسین (ع)		
۶	مدرس	از مستشاران عالی نظامی ایران در سوریه	صاحب نظر در حوزه بحران سوریه	(۶)
۷	مدرس	از مستشاران عالی نظامی ایران در سوریه	صاحب نظر در حوزه بحران سوریه	(۷)
۸	دانشیار	عضو هیئت علمی دانشکده وزارت امور خارجه	سفیر سابق ایران در ترکیه	(۸)
۹	دانشیار	عضو هیئت علمی دانشکده وزارت امور خارجه	سفیر سابق ایران در ترکیه	(۹)
۱۰	دانشیار	عضو هیئت علمی دانشگاه عالی دفاع ملی	کارشناس مسائل ترکیه	(۱۰)
۱۱	دانشیار	عضو هیئت علمی دانشگاه عالی دفاع ملی	کارشناس مسائل غرب آسیا	(۱۱)

مراحل گردآوری داده‌ها در پژوهش‌های کیفی شامل تعیین محدوده مطالعه، گردآوری اطلاعات از طریق مشاهده‌ها و مصاحبه‌های ساختاریافته یا نیمه ساختاریافته، اسناد و مواد دیداری و همچنین تهیه دفترچه یادداشت میدانی برای ثبت اطلاعات است (کرسول، ۱۳۸۸: ۳۰۴). در تحلیل گفتمان، محقق می‌تواند از طریق استدلال قیاسی و استقرایی، تمثیل و تشبیه، نشانه‌یابی، تجرید، تشخیص تفاوت و تمایز، مقایسه و ... که جملگی به کمک تفکر و تعقل و منطق صورت می‌پذیرند، داده‌های گردآوری شده را ارزیابی و با ذهن مکاشفه‌ای خود نتیجه‌گیری کند (حافظ-نیا، ۱۳۸۲: ۲۳۳). از بین سه نوع روش تحلیل برای روش‌های تحلیل گفتمان که شامل تحلیل موضوعی<sup>۱</sup>، تحلیل متن نوشتاری<sup>۲</sup> و تحلیل متن گفتاری<sup>۳</sup> است (موگاشوا<sup>۴</sup>، ۲۰۱۴: ۱۰۹) این

1 Thematic Analysis  
2 Print Text Analysis  
3 Oral Text Analysis  
4 Mogashoa



پژوهش از تحلیل موضوعی استفاده نموده است که در آن محقق به دنبال شناسایی، تحلیل و گزارش در خصوص قالب‌های موجود (تم‌ها) در داخل داده‌ها است. تعداد زیادی از تجزیه و تحلیل‌های گفتمانی بر اساس داده‌های اصیل و دست اول جمع‌آوری شده توسط محقق که معمولاً از طریق تحلیل مقالات و مصاحبه جمع‌آوری می‌شود صورت می‌گیرد (بیابانگرد، ۱۳۹۲: ۱۵۵).

## ادبیات و مبانی نظری پژوهش

### ۱- مفاهیم و اصطلاحات

اندیشه سیاسی: در تعریف هارولد لاسول<sup>۱</sup> اندیشه سیاسی عبارت از تفکر انسجام یافته درباره اهداف حکومت است. حکومت‌ها عملاً اهداف مختلفی را دنبال می‌کنند و فلسفه وجودی آن‌ها در مقوله‌های مختلف قابل سامان می‌باشند. اصولاً تجزیه و تحلیل اهداف مشخص می‌تواند زیربنای اندیشه‌های مختلف در ایجاد حکومت باشد. باین حال لوی اشتراوس<sup>۲</sup> آن را تأمل درباره آرای سیاسی یا ارائه تفسیری از آن‌ها می‌داند و رأی سیاسی را خیال، مفهوم یا هر امر دیگری می‌داند که برای تفکر درباره آن ذهن به خدمت گرفته می‌شود و با اصول اساسی سیاست نیز مرتبط می‌باشد (رجائی، ۱۳۹۱: ۵).

علم سیاست: عبارت از مطالعه چگونگی شکل گرفتن قدرت و سهم‌شدن در آن و عمل سیاسی، عملی است که بر اساس قدرت انجام گیرد (رابرت، ۱۳۷۹: ۸). البته سیاست در نزد دانشمندان اسلامی عبارت است از «روش اداره جامعه به گونه‌ای که مصالح مادی و معنوی آحاد آن، تحقق یابد». علم و دانش سیاسی هم به معنای علم و دانایی به روش اداره جامعه می‌باشد. به دیگر سخن علم و دانش سیاسی همان دانایی به آئین کشورداری است (عمیدزنجانی، ۱۳۸۴: ۱۸). اندیشه شیعی: «شیعه» در اصطلاح به آن عده از مسلمانان گفته می‌شود که به خلافت و امامت بلافضل حضرت علی (ع) معتقدند، و بر این عقیده‌اند که امام و جانشین پیامبر اسلام از طریق نصّ

1 Harold Losvel

2 Louis Strauss

شرعی تعیین می‌شود و امامت حضرت علی (ع) و دیگر امامان شیعه نیز از طریق نص شرعی ثابت شده است (شهرستانی، ۱۳۷۴: ۱۴۶).

اندیشه سکولار: سکولاریسم در معنای اصلی و اولیه‌اش، بر مجموعه‌ای از انگاره‌ها و ارزش‌هایی دلالت دارد که هدف آن تضمین این مسئله است که دولت نباید درگیر ترویج و گسترش باورها و ارزش‌های مذهبی خاص شود و نه از قدرت و مقام خود در جهت ایجاد مزاحمت و مداخله در امور مذهبی استفاده کند. در الگوی تفکیک‌سازی حوزه عمومی از حوزه خصوصی «مذهب همچون مقوله‌ای فردی و خصوصی تلقی می‌شود که حداکثر حوزه انتخاب و عمل فردی را در برمی‌گیرد» (دیویدسی<sup>۱</sup>، ۱۳۸۴: ۱۰).

## ۲- اندیشه‌های سیاسی سکولار ترکی

قانون اساسی ترکیه بر جدایی دین از سیاست (سکولاریسم) تأکید داشته و این کشور را با دولت و حکومت غیرمذهبی (لائیک) معرفی می‌نماید (رابرت<sup>۲</sup>، ۱۳۷۹: ۲۶). در ترکیه مفهوم سکولاریسم سه وجه دارد ۱- قرائت جامد کمالیستی از سکولاریسمی که بر «آزادی از دین» تأکید دارد؛ ۲- وجه فهم محافظه‌کارانه ترکی- اسلامی از سکولاریسمی که مبتنی بر دین است و تحت عنوان شبه سکولاریسم نامیده می‌شود که در دولت حزب عدالت توسعه بیشتر نمود داشته است؛ و ۳- وجه سوم برداشت لیبرال از سکولاریسم بوده که به جدایی دین از سیاست یا «آزادی دین» معتقد هستند (یاووز<sup>۳</sup>، ۱۳۸۹: ۷۵). به نظر می‌رسد مؤلفه‌های اندیشه سیاسی سکولاریسم ترکی که برگرفته از اندیشه کمالیست‌ها می‌باشد عبارت‌اند از:

۱- اتخاذ مسئله صفر در قبال همسایگان (تنش‌زدایی) از مؤلفه‌های اساسی اندیشه سیاسی سکولارهای ترکیه به منظور تأمین منافع ملی خود در مجامع بین‌المللی می‌باشد (تورباکوف و اوچانن<sup>۴</sup>، ۲۰۰۹: ۲۱)؛

۲- تفکر اندیشه ترک‌گرایی به ملی‌گرایی جدید (ناسیونالیسم ترکی). در این راستا ترکیه نخستین کشور اسلامی بود که در آنجا مکتب ناسیونالیسم وارد شد. ناسیونالیسم به معنی

1 David see

2 Robert

3 Yauoze

4 Turbakov & Ojanen

میهن پرستی در قانون اساسی ترکیه قید گردیده است، باز تعریف ترکی بودن بر محوریت قومیت به منظور شناسایی و جذب کردها بر اساس هویت آنان، گفتمان غیر شفاف و مبهم در زمینه ناسیونالیسم و دولت گرایی استوار است. به طور کلی در اندیشه سیاسی سکولار ترک‌ها، همواره حمایت از ترک‌های سراسر دنیا جایگاه ویژه‌ای دارد، به‌ویژه این حمایت در منطقه خاورمیانه و اوراسیا و بالکان پررنگ است (گنجی، ۱۳۷۶: ۸۱)؛

۳- تفکر نو عثمانی گرایی جدید. دکترین نو عثمانی گری با هدف ایجاد موازنه میان مجموعه تحولات جدید بین‌المللی با فرهنگ سیاسی داخلی شکل گرفته است. این دکترین در داخل تلاش دارد تا با هویتی جدید و تعریف جدید از تابعیت، مسائل داخلی این کشور همانند قوم‌گرایی را مرتفع و از تجزیه طلبی جلوگیری نماید و در خارج نیز هماهنگ با گسترش سیاسی متناسب با ارزش‌های روبه‌رشد جهانی، تغییرات اساسی در گفتمان خود ایجاد کند (داود اوغلو، ۱۳۹۱: ۸۹)؛

۴- دیپلماسی موزون «ریتیمیک». در این تفکر تصویر قدرت نرم ترکیه تحت تأثیر اقدامات پیشگیرانه دیپلماتیک موسوم به «دیپلماسی موزون» قرار گرفته است. یکی از اهداف، انتخاب دیپلماسی موزون توسعه اقتصادی، احیای فرهنگ و هویت تاریخی و در نهایت کسب موقعیت بهتر در عرصه منطقه‌ای و بین‌المللی و کسب منافع و حفظ منافع در بالاترین سطح می‌باشد (داود اوغلو<sup>۱</sup>، ۲۰۱۰).

### ۳- اندیشه‌های سیاسی شیعی ایرانی

به نظر می‌رسد اندیشه سیاسی در ایران برگرفته از اندیشه سیاسی بسیار غنی، عمیق، فراگیر و پرمعنای شیعه در نظام و حکومت غایی اسلامی دارای مؤلفه‌ها و ظرفیت‌های فراوانی است (توال<sup>۲</sup>، ۱۳۸۲: ۲۵). در این اندیشه، مهم‌ترین اصل و تفکر، این است که دین از سیاست و زندگی جدا نیست و تفکر دینی مبنای اقدام سیاسی محسوب می‌گردد. مبانی اندیشه سیاسی شیعه با رویکرد ائمه معصومین (ع) به حکومت آغاز، در طول تاریخ تداوم یافته اما در سده‌های اخیر تفکرات آیت ا... نائینی، شهید مدرس و امام خمینی (ره) آن را تقویت و اسلام سیاسی در حقیقت با انقلاب اسلامی در قرن بیستم رویکرد نوینی را ارائه کرد که مدل حکومتی مبتنی بر حکومت دینی را در

1 Davutoğlu

2 Toval

ادبیات سیاسی جهان پدیدار نمود (تلاشان، ۱۳۸۹: ۳۶). به همین دلیل اساساً مبانی اندیشه سیاسی شیعی در جمهوری اسلامی بر اساس رویکرد انقلابی است. در اصول ۱۵۲ و ۱۵۴ قانون اساسی جمهوری اسلامی اهداف بلندی برای نظام در عرصه سیاست خارجی تعریف شده است. در جمع-بندی منابع مطالعاتی مختلف، عمده‌ترین ظرفیت‌ها و مبانی اندیشه سیاسی شیعی ایران به شرح زیر است:

- اعتقاد به اسلام سیاسی (جدا نبودن دین از سیاست) (حسینیان، ۱۳۸۰: ۲۹)؛
- امامت و ضرورت تشکیل حکومت اسلامی (با تأکید بر اصل ولایت فقیه در دوران غیبت)؛
- وحدت جهان اسلام؛
- انتظار؛
- عدالت‌خواهی و ظلم‌ستیزی (همان: ۱۹) و (مسجد جامعی، ۱۳۸۴؛ ۲۶۶)؛
- اجتهاد (متقی‌زاده، ۱۳۸۴: ۲۷)، (نامداری، ۱۳۷۶: ۸۰) و (عزتی، ۱۳۸۱: ۳۰۱)؛
- جهاد و شهادت (نامداری، ۱۳۷۶: ۳۵)؛
- حمایت از جبهه مقاومت (افشردی و اکبری، ۱۳۹۲: ۱۷).

#### ۴- بحران سوریه

سوریه در منطقه آسیای غربی، به عنوان مرکز ارتباطات سه قاره آسیا، آفریقا و اروپا شناخته می‌شود. این کشور از دیرباز، مرکز بازرگانی میان شرق و غرب بوده است. موقعیت ژئوپلیتیکی سوریه، این کشور را در نقطه اتصال خاورمیانه نفت خیز با اروپای صنعتی قرار داده است. سوریه یک بازیگر ژئوپلیتیک محور است که سه عامل؛ واقع شدن در منطقه استراتژیک خاورمیانه و در همسایگی با فلسطین اشغالی، لبنان، ترکیه و عراق با ۱۸۶ کیلومتر مرز ساحلی در دریای مدیترانه از اهمیت ژئوپلیتیکی و نقش راهبردی در مناسبات منطقه‌ای و بین‌المللی برخوردار است (سعیدی، ۱۳۸۵: ۱).

بحران در این کشور از ۶ بهمن ۱۳۸۹ (۲۶ ژانویه ۲۰۱۱) با چند نقاشی دیواری توسط چند جوان در شهر درعا در مرز اردن و جنوب سوریه آغاز شد. اعتراضات مردم درعا (که به صورت صنفی و خواستار حق و حقوق اولیه بودند) با برخورد امنیتی و خشن نیروهای پلیس مواجه شد. مردم با تشکیل یک هیئت پنجاه نفری و مراجعه به دمشق، اعتراض خود را به گوش بشار اسد

رساندند؛ علی‌رغم تحقق وعده‌های بشار اسد در این رابطه، اما با نفوذ عناصر حزب منحل‌ه اخوان‌المسلمین در صفوف مردم، دامنه اعتراضات گسترده شد و استان‌های دیگر همچون حمص، جسرالشغور و حماه را نیز درگیر ساخت. شهر درعا در استان درعا و در ۱۰۰ کیلومتری دمشق و در مرز کشور اردن قرار دارد. موقعیت استراتژیک این استان که در نقطه مقابل شهر زرقا (در شمال اردن) قرار گرفته (شخص ابومصعب زرقاوی رهبر نیروهای عمل‌کننده القاعده در عراق که بعدها کشته شد از این شهر برخاسته است) و از لحاظ پوشش و فرهنگ، متفاوت از غالب فرهنگی سوریه بوده و بیشتر به اردن متمایل است؛ در طول سالیان گذشته به پایگاهی برای گروه‌های تکفیری و سلفی تبدیل شده است. عوامل متعددی باعث نفوذ این گروه‌های بنیادگرا به درعا شده است. از جمله: ۱- باز بودن مرز سوریه و اردن ۲- اکثریت سنی مردم منطقه ۳- حرکت نیروهای کار مردمی به کشور عربستان (بالطبع، هنگام بازگشت این نیروها به سوریه، تفکر تکفیری وهابی و بنیادگرایی را نیز با خود به همراه می‌آوردند) (احدی، ۱۳۹۲: ۳۱).

یکی از عوامل تشدید بحران سوریه، رکود سیاسی می‌باشد. مخالفان، دولت بشار اسد را نماینده اقلیت علوی سوریه (۱۳ درصد جمعیت کل سوریه) می‌دانند و نسبت به حضور شیعیان علوی در رأس قدرت معترض شده و خواستار مشارکت بیشتر سنی‌ها در حکومت سوریه هستند. نظام سیاسی سوریه، نظامی تک‌حزبی و تحت کنترل دائمی حزب بعث که حزبی سکولار و ملی-گرا و به صورت موروثی در اختیار خاندان اسد و نیروهایشان قرار گرفته؛ باعث گردید تا با محدود شدن فضای فعالیت و رقابت سیاسی، رکود سیاسی ایجاد شود. ترکیب ۳ نهاد بوروکراتیک ارتش، دولت و حزب بعث و جمعیت علوی در تجمیع قدرت در خاندان اسد و در کنار این مسائل مواردی چون انحلال حزب اخوان‌المسلمین در دهه ۸۰ میلادی و سرکوب شدید معترضان در شهر حماه در سال ۱۹۸۲ میلادی و فرار رهبران اخوان به ترکیه، عدم شناسایی اکراد به‌عنوان شهروندان سوری و وجود وضعیت اضطراری در این کشور، اوضاع سیاسی آن را از لحاظ هنجارهای دموکراتیک بین‌المللی نامطلوب جلوه داد (شریفیان و دیگران، ۱۳۹۱: ۱۵۰). دولت بشار اسد در ابتدای فعالیت سیاسی خود با اعمال سیاست‌هایی نظیر ارائه برخی خدمات رفاهی، حمایت از گروه‌های مبارز فلسطینی- لبنانی و تلاش برای بازپس‌گیری سرزمین‌های اشغالی جولان تلاش کرد در جهت حفظ منافع ملت سوریه گام بردارد و به تبع آن نیز طرفداران قابل توجهی را جذب

کرد اما چنین سیاست‌هایی نتوانست خلأ فقدان پویایی سیاسی در این کشور را جبران کند. زمانی که بشار اسد در سال ۲۰۰۰ وارث حکومت پدرش شد، وعده‌هایی مبنی بر اصلاحات اجتماعی و بازتر شدن فضای سیاسی کشور داد اما با گذشت زمان و تحت تأثیر آموزه‌های ضد اصلاحی برخی رهبران قدیمی حزب بعث قرار گرفت و از پیگیری وعده‌هایش باز ماند. لغو قانون وضعیت فوق‌العاده از اولین خواسته‌هایی بود که مخالفان دولت اسد سال‌ها برای پیگیری آن تلاش کردند؛ اما دولت اسد زمانی این قانون را لغو کرد که اعتراضات داخلی رو به گسترش نهاد (معاونت اطلاعات نزاجا، ۱۳۹۲: ۲۲).

عامل دوم تشدید بحران سوریه، رکود اقتصادی است. از زمان به قدرت رسیدن بشار اسد و آغاز اصلاحاتی در راستای آزادسازی اقتصاد دولت محور این کشور، رشد اقتصادی مستمری جریان یافت و درآمد سرانه سوری‌ها افزایش محسوسی پیدا کرد. روند روبه رشد اعتراضات و به تبع آن اتفاقاتی چون آسیب دیدن صنایع، توریسم و اعمال تحریم‌های بین‌المللی بر مشکلات سوریه افزود. با وجود ذخایر نفتی کم سوریه و تولید نفت خام روزانه حدود ۴۰۰ هزار بشکه، نفت منبع اصلی درآمد سوریه را تشکیل می‌داد. سوء مدیریت، رانت‌خواری، فساد و فاصله طبقاتی باعث فقر و بیکاری بیشتر در این کشور شد (احدی، ۱۳۹۲: ۳۱). بشار اسد از زمان روی کار آمدن، وعده‌های متنوعی مبنی بر تقویت استانداردهای رفاهی مردم داد و اولویت اول در انجام اصلاحات را تلاش برای بهبود وضعیت معیشتی مردم و سپس توسعه سیاسی عنوان کرده بود. دولت وی برنامه‌هایی تحت نظارت صندوق بین‌المللی پول برای اصلاح ساختار اقتصادی این کشور انجام داد ولی نتایج آن با دستاوردهای وعده داده شده فاصله زیادی داشت به طوری که فقر و بیکاری به مشکلات جدی سوریه تبدیل گشته و سوریه را جزء کشورهای فقیر جهان مبدل ساخت (شریفیان و دیگران، ۱۳۹۱: ۱۵۱).

## ۵- اندیشه‌های مشترک ایران و ترکیه در سوریه

ایران و ترکیه در حوزه سوریه راهبردهای مشترکی دارند که عبارت‌اند از:

الف- کردها: مسئله اکراد در وضعیت جدید خاورمیانه، برای نخستین بار به مثابه یک کل به هم پیوسته نه تنها بر سیاست خارجی دولت‌ها، بلکه هم زمان بر سیاست و امنیت داخلی چهار کشور (ترکیه، ایران، عراق و سوریه) که با این مسئله درگیر هستند، اثرگذار است. مسئله کردها در ترکیه

از زمان تشکیل جمهوری ترکیه تاکنون، اصلی‌ترین دغدغه امنیتی مقامات سیاسی این کشور بوده است. مهم‌ترین خواست کردهای ترکیه که از دیرباز تاکنون بر آن پافشاری کرده و برای دستیابی به آن، هم از راه‌های مسالمت‌آمیز و هم از طریق فعالیت‌های خشونت‌بار اقدام کرده‌اند، دو چیز بوده است: نخست، خودمختاری کردهای ترکیه که عمدتاً در شرق و جنوب شرقی ترکیه ساکن هستند و دوم، به رسمیت شناختن زبان کردی به‌عنوان زبان دوم ترکیه. آنچه موجب نگرانی ترکیه شده، حضور کردها در کشور سوریه است. چرا که به طور طبیعی موضع‌گیری و اقدامات کردهای سوریه بر نگرش‌های سیاسی و مواضع کردهای ترکیه تأثیرگذار خواهد بود. این عامل سبب شده است تا ترکیه نسبت به تحولات سیاسی در سوریه حساس باشد (حافظ‌نیا، ۱۳۸۵: ۹)؛ از طرفی مسئله کردها بارها در شرایط مختلف مطرح و تشدید شده و موجبات ناامنی‌های منطقه‌ای را فراهم آورده است. مقابله با تجزیه، مهم‌ترین وجه اشتراک ایران، سوریه و ترکیه است. (نصری، ۱۳۸۴: ۱۷). هر دو کشور ایران و ترکیه معتقدند جمهوری کردستان بزرگ و دموکرات سوریه، نیت پنهان آمریکایی‌ها در ارتقای جایگاه کردها در ژئوپلیتیک خاورمیانه است که ارتباط مستقیمی با چالش‌های امنیت ملی و تمامیت ارضی ایران، سوریه، ترکیه و عراق دارد. ذکر این نکته ضرورت دارد که به‌رحال این موضوعی مشترک بین سه کشور بوده و استفاده از آن به‌عنوان فرصت امنیتی در کنار ایجاد منافع مثبت می‌تواند تهدیداتی را نیز به همراه داشته؛ بنابراین با توجه تحلیل‌های جغرافیایی و ژئواستراتژیک غرب در باب خاورمیانه و لزوم همگرایی بین ایران و ترکیه و تبادلات ۴۰ میلیارد دلاری به نظر می‌رسد مسئله کردها نمی‌تواند در آینده‌ای نزدیک مشکلی عمده برای این دو کشور قدرتمند به وجود آورد زیرا ایران در مسائل منطقه‌ای کاملاً مستقل عمل نموده و ترکیه نیز با وجود همگرایی با غرب، در مسئله کردها با مواضع و مسائل مطروحه از طرف ایران هماهنگ است (عمادی، ۱۳۹۴: ۴۴).

ب- حفظ و تمامیت ارضی سوریه: سوریه همواره برای ایران حائز اهمیت راهبردی بوده و به همین دلیل است که ایران و سوریه در دهه‌های اخیر یک اتحاد استراتژیک را پایه‌گذاری نموده‌اند. از این منظر ایران اهتمام ویژه‌ای نسبت به بحران سوریه و حفظ نظام سیاسی و تمامیت ارضی سوریه دارد. از طرف دیگر علی‌رغم فشار ترکیه بر تغییر دولت اسد و تداوم حمایت این کشورها از گروه‌های تروریستی (همسو با کشورهای عربی، رژیم صهیونیستی و غرب)، این کشور با تجزیه

سوریه مخالف است (احدی، ۱۳۹۲: ۳۱). با این حال تجزیه سوریه به دلیل تفاوت‌های قومی و مذهبی همواره از عوامل نگران‌کننده ترکیه و ایران بوده است، سنی‌ها، علوی‌ها و کردهای سوریه از گروه‌های تأثیرگذار و مهم در تحولات سوریه هستند که هر یک به دنبال تثبیت موقعیت خود در شرایط حساس کنونی هستند. به همین دلایل همواره در تمام جلسات و سخنرانی‌های هیأت‌های دیپلمات دو کشور حفظ و تمامیت ارضی سوریه مد نظر قرار داده و به آن تأکید کرده‌اند (کریمی فرد، ۱۳۹۶: ۱۲).

## ۶- اختلاف نظر اندیشه‌ای ایران و ترکیه در سوریه

الف- الگوی انقلاب‌های منطقه: دولت‌های ترکیه و ایران هر دو به نحوی انقلاب‌های جهان عرب را متأثر از آموزه‌های سیاسی خود می‌بینند. از نگاه ترک‌ها، جنبش‌های جهان عرب در همان مسیری گام برداشته که حزب عدالت و توسعه طی دهه اخیر برداشته است. این الگو، الگویی است که هم داعیه‌های اسلامی دارد، هم به دموکراسی و آزادی‌های مدنی اصالت داده و هم مرزهای مشخصی را در برابر قدرت‌های خارجی تعیین کرده و به استقبال در برابر مداخلات آن‌ها گرایش دارد. این الگو در عین حال که اسلام‌گرا است به پرهیز از رادیکالیسم و افراط‌گرایی تمایل دارد و از تعامل بین‌المللی منطقی استقبال می‌کند. از سوی دیگر، در جمهوری اسلامی ایران این برداشت رایج است که انقلاب‌های منطقه بیش از هر چیز متأثر از انقلاب اسلامی ایران بوده و در همین چارچوب به اسلامی‌سازی و مردمی‌سازی نظام‌های سیاسی و در عین حال مقاومت در برابر قدرت‌های خارجی گرایش دارند. بر این اساس، ضد آمریکا بودن و ضد اسرائیل بودن از ویژگی‌های بنیادی و اصیل انقلاب‌های منطقه است. این اختلاف برداشت میان سران ترکیه و ایران باعث شده تا آن‌ها در اثرگذاری بر روند تحولات جهت‌گیری متفاوتی داشته باشند. این اختلاف رویکرد در موضوع سوریه به اوج خود رسیده است، چرا که ترک‌ها اعتراضات و ناآرامی‌های سوریه را در امتداد جنبش‌های دموکراسی‌خواه منطقه تلقی می‌کنند، اما از نگاه جمهوری اسلامی ایران تحولات سوریه حاکی از نوعی انحرافات از اصول بنیادین بیداری اسلامی است چرا که به شدت تحت تأثیر منافع و برنامه‌های قدرت‌های خارجی قرار دارد (شریفیان و دیگران، ۱۳۹۱: ۱۵۷).

ب- مسئله فلسطین و محور مقاومت: سوریه مهم‌ترین حوزه‌ای است که رویکرد ترکیه در تضاد با منافع منطقه‌ای جمهوری اسلامی ایران قرار دارد. ایران شکل‌گیری محور مقاومت در



خاورمیانه را که سوریه بازیگر کانونی آن محسوب می‌شود، از مهم‌ترین دستاوردها و حتی مهم‌ترین دستاورد خود در عرصه سیاست منطقه‌ای می‌داند. این محور ضمن ایجاد ابزارها و توانمندی‌های لازم برای بازیگری و نقش‌آفرینی گسترده‌تر ایران در عرصه منطقه‌ای، حتی نقشی بازدارنده در مقابل تهدیدات امنیتی بازیگران رقیب و متخاصم برای ایران نیز دارد. بر این اساس، تحولات سوریه با توجه به جایگاه استراتژیک و نقش مهم آن در محور مقاومت، در مقایسه با تحولات سایر کشورها از اهمیت بسیار بیشتری برای ایران برخوردار است (احمدی، ۱۳۹۰: ۱۲۹).

جمهوری اسلامی ایران منافع خود را در سوریه در گذار مسالمت‌آمیز حکومت بشار اسد از بحران کنونی و تداوم بقای آن، ضمن پایبندی به محور مقاومت تعریف می‌کند و در این راستا از بازیگران دوست منطقه‌ای مانند ترکیه انتظار دارد تا در بحران سوریه به این کشور کمک کنند. اما رویکرد ترکیه بیشتر در جهت تسریع و تشدید بحران در سوریه و در قالب نمایندگی اهداف و منافع غرب در قبال سوریه قلمداد می‌شود (بهرامی، ۱۳۹۱: ۲۵). از این رو رویکرد ترکیه در قبال این کشور که به تشدید فشارها علیه این کشور منجر می‌شود، اصلی‌ترین حوزه‌ای است که سیاست ترکیه در آن با منافع جمهوری اسلامی ایران در تضاد قرار می‌گیرد و این تضاد می‌تواند روابط دو کشور را در سطح گسترده‌ای با چالش همراه سازد. ترک‌ها منتقد رویکرد جمهوری اسلامی ایران در مورد مسئله فلسطین - اسرائیل هستند. از نظر آن‌ها خط‌مشی مقاومت و منازعه دائمی آن‌ها بدون همگرایی بین بازیگران ضداسرائیلی از جمله فتح و حماس امکان‌پذیر نیست. ترک‌ها در عین حال، امید دارند با جایگزینی نظام سیاسی در سوریه، فضای مثبتی برای پیشرفت مذاکرات صلح فراهم شود. از این رو، آن‌ها تلاش می‌کنند گروه‌های فلسطینی را به همراهی با خط‌مشی ترکیه در سوریه وادارند. از منظر جمهوری اسلامی ایران سابقه و خط‌مشی رژیم صهیونیستی نشان داده که زیاده‌خواهی، اشغالگری و سرکوب، از ویژگی‌های ذاتی این رژیم بوده و تنها راه‌حل آن هم مقاومت است. به نظر دولت جمهوری اسلامی، سقوط دولت بشار اسد که سابقه مثبتی در خط‌مشی مقاومت در برابر رژیم صهیونیستی دارد می‌تواند منجر به تضعیف هر چه بیشتر جبهه ضداسرائیلی در منطقه گردد؛ بنابراین، به جای حمایت از تغییر رژیم که عواقب نامشخصی در پی دارد، بهتر است دولت بشار اسد را به پیشبرد مؤثر برنامه اصلاحات تشویق کرد تا هم خواسته‌های مخالفین تأمین گردد، هم به خط مقاومت آسیبی وارد نشود (معاونت اطلاعات نزا: ۱۳۹۵: ۲۳).

ج- اختلاف نظر در وحدت و همگرایی منطقه‌ای: برای هر دو دولت ایران و ترکیه وحدت منطقه‌ای به خصوص بین کشورهای اسلامی اهمیت زیادی دارد. ترک‌ها همگرایی منطقه‌ای را عمدتاً با سازوکارهای اقتصادی تعریف کرده و همکاری در تجارت و سرمایه‌گذاری را بهترین زمینه همگرایی می‌دانند، جمهوری اسلامی در تبیین ضرورت همگرایی منطقه بر نیازهای سیاسی و امنیتی مشترک کشورهای منطقه تأکید دارد (بهشتی‌پور، ۱۳۹۰: ۱۲). ترکیه درصدد است از همگرایی منطقه‌ای و رهبری آن ضمن بهره‌برداری از فرصت‌های اقتصادی منطقه، پشتوانه مهمی برای چانه‌زنی در برابر قدرت‌های غربی از جمله اتحادیه اروپا تأمین کند. این در حالی است که پروژه همگرایی منطقه‌ای با محوریت جمهوری اسلامی ایران به دنبال اهدافی چون مهار مداخله-گری قدرت‌های خارجی، دفع اشغالگری رژیم صهیونیستی و تبدیل جهان اسلام به یک قطب سیاسی مستقل و قدرتمند در عرصه جهانی است. بر این اساس، همگرایی منطقه‌ای با استمرار نفوذ و نقش قدرت‌های خارجی در منطقه تعارض ذاتی دارد (عالم، ۱۳۹۱: ۳۵). از این‌رو، در قضایای سوریه در حالی که جمهوری اسلامی نسبت به نفوذ و دخالت غرب و رژیم صهیونیستی در بحران و هدایت اعتراضات ابراز نگرانی کرد، برای آنکارا چنین دخالت‌هایی اهمیت نداشت. از منظر ترکیه، دولت بشار اسد با خط‌مشی فعلی نه تنها نمی‌تواند به همگرایی منطقه کمک کند، بلکه به صورت مانع عمل می‌کند.

د- اختلاف در عمق راهبردی: عمق استراتژیک ایران در غرب تا سواحل دریای مدیترانه امتداد یافته است؛ بنابراین، مرزهای لبنان و سوریه به عنوان خط مقدم منطقه نفوذ ایران تلقی می‌شود. ایران با کشورهای سوریه و لبنان و مجموعه‌های حزب‌ا...، جهاد اسلامی و حماس، یک جبهه ضد اسرائیلی را تشکیل داده که در این اتحاد سوریه نقش پل ارتباطی را ایفا می‌کند (عامری، ۱۳۹۰: ۱۳). سوریه در زمره کشورهای منطقه‌ای محسوب می‌شود که نقش به‌سزایی در افزایش قدرت راهبردی ایران در شرق مدیترانه داشته است. سوریه به‌عنوان بخشی از جریان مقاومت همواره متحد استراتژیک ایران در منطقه در طول ۳۵ سال گذشته بوده است و به‌خاطر آن از اهمیت استراتژیکی بالایی برای جمهوری اسلامی ایران است. این کشور به‌عنوان حلقه رابط عناصر جبهه مقاومت (حزب‌ا... و حماس) با جمهوری اسلامی ایران هدف اصلی تهاجم نرم و سخت دشمنان مقاومت اعم از آمریکا، اروپا، رژیم صهیونیستی، سران مرتجع عرب و ترکیه قرار

گرفته و از طرفی غرب در راهبردی هماهنگ با کشورهای عربی و ترکیه در حال اجرای تلاش برای جایگزینی هلال اخوانی با هلال شیعی در منطقه است. این اقدام در راستای امنیت سازی برای رژیم صهیونیستی بوده و موجب جابه‌جایی مقاومت مسلحانه علیه رژیم صهیونیستی با مقاومت سیاسی می‌گردد (شریفیان، عبدالله‌پور، ۱۳۹۶: ۱۴۶). سوریه در صدر گروه‌های حامی مقاومت و در واقع خاکریز اول مقاومت و سیاست‌های ج.ا.ایران در منطقه و جهان در مقابل آمریکا و رژیم صهیونیستی بوده در واقع دشمنان اقدام به هجوم به خاکریز اول ایران کرده تا بتوانند ضربه کاری را بر ج.ا.ا. وارد نموده و عمق راهبردی آن را از بین ببرند و تضعیف و فروپاشی آن ضربه‌ای مهلک به ایران و سیاست‌های آن در منطقه محسوب می‌شود. اگر دولت بشار اسد سقوط کند، یکی از پایگاه‌های مهم و استراتژیک محور مقاومت فرو خواهد پاشید و این مسئله به لحاظ راهبردی پیامدهای ویرانگری برای آینده منطقه خواهد داشت. از منظر ج.ا.ا، هدف غرب و کشورهای عرب منطقه و حتی ترکیه از ورود به مسئله سوریه و تلاش برای تغییر رژیم در این کشور، آسیب رساندن به عمق راهبردی ج.ا.ا و محور مقاومت است بنابراین سوریه خط مقدم مبارزه رقبا با ج.ا.ا به‌شمار می‌رود (متقی، ۱۳۹۲: ۳۳).

ه- اختلاف در نفوذ و قدرت منطقه: یکی از مشکلات جمهوری اسلامی ایران پس از پیروزی انقلاب اسلامی، چالش محیط عربی در پیرامون آن بود. این چالش به حدی بود که تداعی‌کننده رویارویی ایرانی-عربی بود و این فضا در جریان جنگ تحمیلی مورد استفاده حزب بعث عراق قرار گرفت. به همین دلیل، ایران در چنین شرایطی به شدت نیاز داشت تا این فضا را از طریق رابطه با سوریه مهار نماید. وجود کشوری مانند سوریه با یک سیاست منطقه‌ای نسبتاً مستقل در کنار ایران، در کاهش چالش ایرانی-عربی مؤثر بود. از طرف دیگر، نوع نگاه ایدئولوژیک ایران به مسئله فلسطین به‌عنوان مسئله محوری امت اسلامی، ایجاب می‌کرد تا ایران برای کم کردن فاصله جغرافیایی خود با سرزمین‌های اشغالی به انتخاب یک هم‌پیمان مناسب دست بزند (نعمت‌زاده، ۱۳۹۱: ۱۳). راهبردها و سیاست‌های منطقه‌ای و بین‌المللی دولت سوریه طی چند دهه اخیر در بسیاری از تحولات و رخدادها در حد مطابقت تمام‌عیار به راهبردها و سیاست‌های منطقه‌ای ایران نزدیک بوده و به همین منظور، جانبداری تهران از دولت سوریه در بحران کنونی‌اش به‌ویژه با توجه به صف آرایی‌های موجود میان بازیگران جهانی و منطقه‌ای، یک ضرورت راهبردی است

(متقی، ۱۳۹۲: ۴۳). از طرفی ترکیه به عنوان قدرت منطقه‌ای که سودای تبدیل شدن به قدرت برتر منطقه‌ای را در ذهن دارد با توجه به شرایط جدید منطقه‌ای در صدد بهره‌برداری از شرایط موجود در راستای منافع خود برآمد. دیدگاه مقامات ترکیه مبنی بر کنار رفتن اسد از قدرت، موجب کاهش نقش و نفوذ ایران به عنوان رقیب اصلی منطقه‌ای ترکیه در خاورمیانه است (مؤمن‌زاده، ۱۳۹۱: ۱۵). با چنین پیش‌زمینه‌ای است که ائتلاف نانوخته‌ای میان اتحادیه عرب، کشورهای حاشیه خلیج فارس و ترکیه در منطقه شکل گرفت که همگی با یک هدف مشترک که تضعیف نقش و موقعیت ایران در منطقه خاورمیانه است با حمایت غرب، اتحادی را به منظور کنار زدن اسد از قدرت ایجاد کرده‌اند. در واقع هدف اصلی ترکیه و سایر بازیگران منطقه‌ای صرفاً کنار رفتن اسد از قدرت نیست بلکه هدف اصلی تضعیف جایگاه منطقه‌ای ایران و برهم‌زدن موازنه استراتژیک و موازنه قوا در منطقه خاورمیانه است (زارعی، ۱۳۹۰: ۱۹). به عبارت دیگر ترکیه از موضوع بحران سوریه به عنوان فرصتی در جهت تقویت و ارتقاء جایگاه منطقه‌ای خود بهره می‌برد. سیاست‌هایی که ترکیه در مورد سوریه به کار گرفته باعث شده تا فشارها بر ایران افزایش یابد (بیات، ۱۳۹۰: ۱۶۱).

### تجزیه و تحلیل داده‌های پژوهش

در پاسخ به سؤال اول پژوهش، شاید در بررسی اولیه از اندیشه‌های سیاسی شیعه ایرانی و سکولار ترکی در بحران سوریه، به نظر می‌رسد که اشتراک خاصی به لحاظ اندیشه‌ای وجود نداشته باشد. اما می‌توان از اندیشه‌های متفاوت سیاسی منبعت از ریشه‌های شیعی و سکولار، در بحران سوریه، به راهبردها و سیاست‌های مشترک رسید. بر اساس کدگذاری انجام شده از متون نوشتاری و گفتاری پژوهش، به شرح جدول ۳ است:

جدول ۳: اقلیت اشتراکات اندیشه‌های سیاسی سکولار ترکی و شیعی ایرانی در بحران سوریه حاصل متون گفتاری و

نوشتاری پژوهش

فراوانی	منابع گفتاری	منابع متنی	اشتراکات اندیشه‌های سیاسی سکولار ترکی و شیعی ایرانی در بحران سوریه
۹	(۱)-(۱۰)-(۸) (۲)-(۳)	احمدی (۱۳۹۰) - کریمی فرد (۱۳۹۶) عامری (۱۳۹۰) - بهرامی (۱۳۹۱)	نفوذ و تأثیرگذاری محوری در معادلات سوریه و نقش مستقیم در بقا یا عدم بقای دولت مرکزی این کشور منبعت از راهبرد کلان دو کشور برای افزایش هژمون در سطح منطقه

۸	(۱)-(۱۱)-(۵) (۸)-(۹)	احدی (۱۳۹۲)-حافظنیا (۱۳۸۵)-نصری (۱۳۸۴)-	راهبرد مشترک حفظ تمامیت ارضی خود از طریق «مسئله کردها»
---	-------------------------	--	--

بدیهی است که جمهوری اسلامی ایران بر اساس مبانی برشمرده شده در اندیشه شیعی ایران، بحث «حمایت از جبهه مقاومت» را در داخل سوریه پیگیری می‌نماید و از سوی مقابل، دولت ترکیه نیز با وام‌گیری از اندیشه «احیای امپراتوری نوعثمانی‌گرایی»، به دنبال برهم‌زدن دولت مرکزی سوریه و سرکارآمدن دولت مرکزی در سوریه است. هر چند در این بحث هر دو کشور اندیشه سیاسی متفاوت دارند لیکن راهبرد مشترکی را برای پیشبرد آن در پیش گرفته و از موضع خود نیز کوتاه نیامدند. جمهوری اسلامی ایران با اندیشه‌های سیاسی عدالت‌خواهانه، ظلم-ستیزی، مردم‌محوری، جهاد و شهادت‌طلبی، صداقت و همراهی با دولت مرکزی و ملت سوریه، توانسته است با استفاده از ظرفیت‌های چندجانبه و چندوجهی، توفیقات به مراتب بیشتری در بحران سوریه برای محور مقاومت و دولت مرکزی این کشور ایجاد نماید. از راهبردهای مشترک دیگر که همواره در حوزه اندیشه سیاسی دو کشور ترکیه و ایران در بحران سوریه قابل مطرح است مسئله کردها می‌باشد. مسئله اکراد در وضعیت جدید خاورمیانه، برای نخستین بار به مثابه یک کل به هم پیوسته نه تنها بر سیاست خارجی دولتها، بلکه هم‌زمان بر سیاست و امنیت داخلی چهار کشور (ترکیه، ایران، عراق و سوریه) که با این مسئله درگیر هستند اثرگذار است. مسئله کردها در ترکیه از زمان تشکیل جمهوری ترکیه تاکنون، اصلی‌ترین دغدغه امنیتی مقامات سیاسی این کشور بوده است. هر دو کشور ایران و ترکیه معتقدند جمهوری کردستان بزرگ و دموکرات سوریه، نیت پنهان آمریکایی‌ها در ارتقای جایگاه کردها در ژئوپلیتیک خاورمیانه است که ارتباط مستقیمی با چالش‌های امنیت ملی و تمامیت ارضی ایران، سوریه، ترکیه و عراق دارد. در پاسخ به سؤال دوم پژوهش، بر اساس کدگذاری انجام شده از متون نوشتاری و گفتاری پژوهش، مهم‌ترین تضادهای اندیشه‌های سیاسی سکولار ترکی و شیعی ایرانی در بحران سوریه به شرح جدول ۴ است:

جدول ۴: اقلیت تضادهای اندیشه‌های سیاسی سکولار ترکی و شیعی ایرانی در بحران سوریه حاصل متون گفتاری و

نوشتاری پژوهش

فرا وانی	منابع گفتاری	منابع متنی	تضادهای اندیشه‌های سیاسی سکولار ترکی و شیعی ایرانی در بحران سوریه
-------------	-----------------	------------	---

۱۲	(۱)-(۲) (۴)-(۱۰)	عامری (۱۳۹۰) نعمت زاده (۱۳۹۱) - بیات (۱۳۹۰) - مومن زاده (۱۳۹۱) زارعی (۱۳۹۰) - عمادی (۱۳۹۴) - متقی (۱۳۹۲) - معاونت اطلاعات نزا (۱۳۹۵)	تفاوت در نوع نگاه و حمایت از گروه‌های مقاومت اسلامی در سطح منطقه
۸	(۱)-(۱۱) (۹)	نعمت زاده (۱۳۹۱) - بهشتی پور (۱۳۹۰) - احدی (۱۳۹۲) - افشردی و اکبری (۱۳۹۲) - عالم (۱۳۹۱)	نوع تفاوت در حمایت از گروه‌های تأثیرگذار در بحران سوریه از جمله گروه‌های اخوان المسلمین و علویان سوریه منبعث از اندیشه سیاسی ترکی و شیعی
۷	(۳)-(۲) (۱۱)	معاونت اطلاعات نزا (۱۳۹۲) - احدی (۱۳۹۲) - عالم (۱۳۹۱) - شریفیان، عبدالله پور (۱۳۹۶)	تفاوت در نوع نگاه اندیشه‌ای به الگوی حکمرانی در منطقه
۶	(۱۰)-(۴) (۵)-(۶)	متقی (۱۳۹۲) - برزگر (۱۳۹۱)	تفاوت در سیاست‌ها و راهبردهای پیاده‌سازی اندیشه‌های سیاسی
۴	--	احدی (۱۳۹۲) - شریفیان و دیگران (۱۳۹۱) - افشردی و اکبری (۱۳۹۲)	تفاوت در نوع نگاه اندیشه‌ای به بحران‌ها و انقلاب‌های کشورهای عربی

در تشریح هر یک تضادهای اشاره شده در جدول ۴ باید افزود:

۱. نوع تفاوت در حمایت از گروه‌های تأثیرگذار در بحران سوریه از جمله گروه‌های اخوان المسلمین و علویان سوریه منبعث از اندیشه سیاسی ترکی و شیعی: ترکیه به دنبال یافتن جایگاه مناسب برای اخوان در سیاست داخلی سوریه است که ایران با آن موافق نیست و سعی دارد علویان همچنان موقعیت خود را حفظ کنند.
۲. تفاوت در نوع نگاه اندیشه‌ای به بحران‌ها و انقلاب‌های کشورهای عربی: دولت‌های ترکیه و ایران هر دو به نحوی انقلاب‌های جهان عرب را متأثر از آموزه‌های اندیشه سیاسی خود می‌بینند. از نگاه ترک‌ها، جنبش‌های جهان عرب در همان مسیری گام برداشته که حزب عدالت و توسعه طی دهه اخیر برداشته است. این الگو، الگویی است که هم داعیه‌های اسلامی دارد، هم به دموکراسی و آزادی‌های مدنی اصالت داده و هم مرزهای مشخصی را در برابر قدرت‌های خارجی تعیین کرده و به استقبال در برابر مداخلات آن‌ها گرایش دارد. این الگو در عین حال که اسلام‌گرا است به پرهیز از رادیکالیسم و افراط‌گرایی تمایل دارد و از تعامل بین‌المللی منطقی استقبال می‌کند. از سوی دیگر، در جمهوری اسلامی ایران این برداشت رایج است که انقلاب‌های منطقه بیش از هر چیز متأثر از انقلاب اسلامی ایران بوده و در همین چارچوب به اسلامی‌سازی و مردمی‌سازی نظام‌های سیاسی و در عین حال مقاومت در برابر قدرت‌های خارجی گرایش دارند.

۳. تفاوت در نوع نگاه و حمایت از گروه‌های مقاومت اسلامی در سطح منطقه: ترک‌ها منتقد رویکرد جمهوری اسلامی ایران در مورد مسئله فلسطین - اسرائیل هستند. از نظر آن‌ها خط‌مشی مقاومت و منازعه دائمی آن هم بدون همگرایی بین بازیگران ضداسرائیلی از جمله فتح و حماس امکان‌پذیر نیست. ترک‌ها درعین حال، امید دارند با جایگزینی نظام سیاسی در سوریه فضای مثبتی برای پیشرفت مذاکرات صلح فراهم شود. از این رو، آن‌ها تلاش می‌کنند گروه‌هایی فلسطینی را به همراهی با خط‌مشی ترکیه در سوریه وادارند. از منظر جمهوری اسلامی ایران، سابقه و خط‌مشی رژیم صهیونیستی نشان داده که زیاده‌خواهی، اشغالگری و سرکوب ویژگی‌های ذاتی این رژیم بوده و تنها راه‌حل آن هم مقاومت است. به نظر دولت جمهوری اسلامی، سقوط دولت بشار اسد که سابقه مثبتی در خط‌مشی مقاومت در برابر رژیم صهیونیستی دارد می‌تواند منجر به تضعیف هر چه بیشتر جبهه ضداسرائیلی در منطقه گردد؛ بنابراین، به جای حمایت از تغییر رژیم که عواقب نامشخصی در پی دارد، بهتر است دولت بشار اسد را به پیشبرد مؤثر برنامه اصلاحات تشویق کرد تا هم خواسته‌های مخالفین تأمین گردد، هم به خط مقاومت آسیبی وارد نشود.

۴. تفاوت در نوع نگاه اندیشه‌ای به الگوی حکمرانی در منطقه: هر دو کشور ایران و ترکیه، به دنبال نوع خاصی از الگوی حکمرانی در منطقه هستند و تلاش دارند در کشورهایی که با ضعف حاکمیت یا دولت در مانده مواجه هستند به نوعی الگوی حکمرانی مورد نظر خود را بسط و گسترش دهند. در همین راستا، موفقیت هر یک از این دو کشور در یک کشور ثالث دیگر برای توسعه حکمرانی مورد نظر، به معنای عقب‌گرد یا تضعیف طرف مقابل است. در بحث سوریه نیز افزایش نفوذ ایران باعث افزایش الگوی حکمرانی ایران در قبال الگوی ترکی است.

۵. تفاوت در سیاست‌ها و راهبردهای پیاده‌سازی اندیشه‌های سیاسی: جمهوری اسلامی ایران در بحران سوریه، اندیشه خود را از طریق راهبردهای شیعی مانند جهاد و شهادت، ظلم‌ستیزی، مقاومت و عدالت‌خواهی پیگیری و دنبال می‌نماید حال آنکه ترکیه تلاش دارد حتی از طریق قهر و غلبه بر خواسته حاکمیتی و مردم به‌ویژه با حمایت از گروه‌های تندرو، اندیشه و خواسته‌های سیاسی خود را اعمال نماید. همچنین از سویی دیگر، دو کشور در آرایش نیروهای تأثیرگذار در بحران سوریه نیز دارای اختلافات اساسی هستند. به‌عنوان مثال متحدان اصلی ترکیه در بحران سوریه، عربستان، امارات و برخی کشورهای عربی بوده

و این کشور مخالف حضور روسیه در بحران سوریه است. حال آنکه ایران دارای نگاه کاملاً متفاوتی نسبت به حضور دیگر کشورها در بحران سوریه بوده و در این راستا سیاست‌های کاملاً متفاوتی با ترکیه را تاکنون دنبال نموده است.

### بحث، نتیجه‌گیری و پیشنهادات

جمهوری اسلامی ایران به دلیل طبیعت وجودی و راهبردهای برآمده از ایدئولوژی تشیع آن در برخورد با قدرت‌های جهانی و مخالفت و مقابله با سیاست‌های استعماری آمریکا و غرب و قرار گرفتن در محور مقاومت علیه رژیم صهیونیستی و به طبع آن حمایت از دولت بشار اسد در سوریه، حزب ا... لبنان، حماس در فلسطین و... همواره از سوی آمریکا، رژیم صهیونیستی و برخی از کشورهای عضو اتحادیه اروپایی تهدید می‌شود. از سوی دیگر تحولات خاورمیانه فرصت گران‌سنگی را پیشروی ترکیه قرار داد تا این کشور در قامت یک بازیگر تأثیرگذار منطقه‌ای، به ایفای نقش در روند این تحولات بپردازد. ترکیه در جریان تحولات سوریه منافع و اهداف بازیگران مختلف منطقه‌ای و قدرت‌های بزرگ در این حوزه‌ها را لحاظ نموده است که این موضوع با منافع منطقه‌ای جمهوری اسلامی ایران در تقابل قرار گرفته است؛ به‌گونه‌ای که با تأثیرگذاری بر روابط دوجانبه تا حدی نیز روابط گرم سیاسی اقتصادی گذشته را کاهش داده است. سوریه مهم‌ترین حوزه‌ای است که رویکرد ترکیه در تقابل با منافع منطقه‌ای جمهوری اسلامی ایران قرار دارد. ایران شکل‌گیری محور مقاومت ضد صهیونیستی در خاورمیانه را که سوریه بازیگر کانونی آن محسوب می‌شود، از مهم‌ترین دستاوردهای خود در عرصه سیاست منطقه‌ای می‌داند. این محور ضمن ایجاد ابزارها و توانمندی‌های لازم برای بازیگری و نقش‌آفرینی گسترده‌تر ایران در عرصه منطقه‌ای، حتی نقشی بازدارنده در مقابل تهدیدات امنیتی بازیگران رقیب و متخاصم علیه ایران از جمله آمریکا و رژیم صهیونیستی نیز دارد. رویکرد ترکیه در قبال سوریه اصلی‌ترین حوزه‌ای است که سیاست ترکیه در آن با منافع جمهوری اسلامی ایران در تقابل قرار می‌گیرد و این تحولات بر عمق راهبردی ج.ا.ایران تأثیرگذار است.

در خصوص اشتراکات اندیشه‌های سیاسی سکولار ترکی و شیعی ایرانی در بحران سوریه، با توجه به تفاوت‌های ماهوی و ریشه‌ای مبانی اندیشه‌ای دو کشور، بیشتر اشتراکات شاید در زمینه سیاست‌ها و راهبردها قابل شناسایی بوده است. از این رو اشتراکاتی مانند «نفوذ و تأثیرگذاری محوری در معادلات سوریه و نقش مستقیم در بقا، یا عدم بقای دولت مرکزی این کشور» و «حفظ تمامیت ارضی خود از طریق (مسئله کردها)» از مهم‌ترین موارد بوده‌اند. در این راستا



مطالعات بهرامی (۱۳۹۱)، احدی (۱۳۸۷) و نصری (۱۳۸۴) که بیشتر به بخش کردها اشاره داشته‌اند لذا تنها بخشی از یافته‌های این پژوهش هماهنگ هستند.

در بحث تضادهای اندیشه‌های سیاسی سکولار ترکی و اندیشه‌های سیاسی شیعی ایرانی در بحران سوریه، به نظر این تحقیق، مهم‌ترین تضادها به «نوع تفاوت در حمایت از گروه‌های تأثیرگذار در بحران سوریه از جمله گروه‌های اخوان المسلمین و علویان سوریه منبعت از اندیشه سیاسی ترکی و شیعی»، «تفاوت در نوع نگاه اندیشه‌ای به بحران‌ها و انقلاب‌های کشورهای عربی»، «تفاوت در نوع نگاه و حمایت از گروه‌های مقاومت اسلامی در سطح منطقه»، «تفاوت در نوع نگاه اندیشه‌ای به الگوی حکمرانی در منطقه» و «تفاوت در سیاست‌ها و راهبردهای پیاده‌سازی اندیشه‌های سیاسی» برمی‌گردد. در این راستا تعداد از مطالعات پیشین برخی از یافته‌های این پژوهش را پشتیبانی می‌نمایند. از جمله عالم (۱۳۹۱) به رقابت الگوی حکمرانی در منطقه از سوی ایران و ترکیه پرداخته است. از طرف دیگر احدی (۱۳۹۲) به تفاوت در نوع نگاه به بحران‌ها و انقلاب‌های کشورهای عربی و همچنین به نوع نگاه الگویی حکمرانی در منطقه توسط ایران و ترکیه اشاراتی داشته و همچنین تقی‌پور (۱۳۹۲) فقط به نوع نگاه به بهار انقلاب‌های در کشورهای عربی پرداخته است اما سایر یافته‌های این پژوهش در مطالعات پیشینه پژوهش و صاحب نظران مختلف مغفول مانده است. متناسب با یافته‌های پژوهش مهم‌ترین پیشنهادات برای تقویت اندیشه‌های مشترک و تضعیف اندیشه‌های متضاد دو کشور ایران و ترکیه در بحران سوریه به شرح زیر است:

- همکاری ایران و ترکیه در استقرار ثبات در کشور سوریه از طریق راهکار سیاسی، اصلاحات و گفتگوی ملی، حل مسالمت‌آمیز بحران و انجام اصلاحات منجر به تقویت پایگاه مردمی؛
- برگزاری نشست‌ها و کنفرانس‌ها با حضور قدرت‌های منطقه‌ای و تأثیرگذار همسایه سوریه (عراق، عربستان، مصر، ترکیه و ایران) به منظور تفاهم در پایان دادن فوری خصومت‌ها در بحران سوریه و همچنین حمایت از برگزاری انتخابات پارلمان، مجلس مؤسسان و ریاست جمهوری در سوریه؛
- اتخاذ توافق نامه‌های امنیتی و پایبندی به آن‌ها توسط کشورهای ایران، ترکیه و سوریه در خصوص عدم امکان تجزیه کشورهای منطقه با عنایت به مسئله کردها؛
- تعامل بیشتر ایران و ترکیه در حل بحران‌های منطقه‌ای و ایجاد اتحاد بین کشورهای اسلامی؛

- همکاری مشترک برای تخریب یا کنترل و محدودسازی مراکز و نهادهای رادیکال اسلامی در منطقه غرب آسیا؛  
انتخاب سیاستها و راهبردها بر اساس منافع عینی دو کشور نه براساس اهداف ایدئولوژیکی.

## فهرست منابع

### منابع فارسی:

- آفاجری، هاشم (۱۳۸۱)، حکومت دینی و حکومت دموکراتیک. تهران، مؤسسه نشر و تحقیقات ذکر.
- امام خمینی، سیدروح‌الله (۱۳۶۰)، ولایت فقیه، تهران، امیرکبیر.
- امام خمینی، سیدروح‌الله (۱۳۸۱)، صحیفه امام (دوره ۲۲ جلدی)، چاپ سوم، تهران، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی، چاپ و نشر عروج.
- ارسطا، محمدجواد (۱۳۹۵)، نقش مردم در حکومت اسلامی (مشروعیت بخشی یا کارآمدی؟) فقه حکومتی، شماره اول، صص ۳۰-۷.
- ایزدی، مصطفی؛ دولت‌شاه، بهروز (۱۳۹۶). گفتمان ولایت فقیه در حوزه اقتدار دفاعی - امنیتی، فصلنامه مطالعات دفاعی راهبردی، سال ۱۵، شماره ۶۷، صص ۲۱۰-۱۸۱.
- اخوان کاظمی، بهرام (۱۳۸۴)، جمهوری اسلامی ایران و چالش کارآمدی، فصلنامه مطالعات انقلاب اسلامی، دوره ۱.
- بیژنی، مریم؛ معتمدنژاد، کاظم؛ علینی، محسن (۱۳۸۸)، جایگاه مشروعیت قانونی در گفتمان‌های سیاسی رسمی نظامی جمهوری اسلامی ایران (۱۳۸۶-۱۳۵۷)، فصلنامه علوم اجتماعی (دانشگاه علامه طباطبایی)، شماره ۴۶، صص ۱۳۸-۱۰۷.
- بشیریه، حسین (۱۳۸۲)، دیباچه‌ای بر جامعه‌شناسی ایران، تهران، نشر نگاه معاصر.
- بیتنام، دیوید (۱۳۸۲)، مشروع‌سازی قدرت، ترجمه محمد عابدی اردکانی، یزد، انتشارات دانشگاه یزد.
- پوریان، محمدتقی؛ درفشان، مجتبی (۱۳۹۲). مشروعیت ثبات سیاسی و امنیت در ایران (بازه زمانی ۱۳۹۲-۱۳۶۸) فصلنامه امنیت پژوهی، سال دوازدهم، شماره ۴۴، صص ۷۹-۵۷.
- جوادی عاملی، عبدالله (۱۳۷۹)، ولایت فقیه، ولایت فقاقت و عدالت، قم، اسراء.
- جعفری‌نژاد، مسعود (۱۳۹۶)، نسبت کارآمدی نظام سیاسی مشروعیت حکومت الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت، قابل دسترس در سایت:  
<https://www.farsnews.com/news/139604>  
(البته این صفحه در حال حاضر در دسترس نیست)

- حاجبانی، ابراهیم؛ پاک‌سرشت، سلیمان (۱۳۸۷)، بررسی تجربی الگوهای مشروعیت سیاسی در بین طبقه متوسط شهری ایران، جامعه‌شناسی مسائل اجتماعی ایران، سال اول، شماره ۱، صص ۶۷-۵۰.
- حیدری، نصرت‌الله؛ جمشیدی، محسن (۱۳۹۵)، نقش و جایگاه سازمان‌های مردم‌نهاد در مشارکت سیاسی در دوران ریاست جمهوری خاتمی، احمدی‌نژاد و روحانی، فصلنامه تخصصی علوم سیاسی، سال ۱۲، شماره ۳۶، صص ۱۵۲-۱۲۵.
- حبیبی، نیک‌بخش (۱۳۹۷)، مدل دفاعی - امنیتی ج.ا.ا. متناسب با الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت، پژوهش‌نامه نظم و امنیت انتظامی، سال ۱۱، شماره اول (پیاپی چهل و یکم)، صص ۱۵۵-۱۲۹.
- خرمشاد، محمدباقر؛ امینی، پرویز (۱۳۹۷)، مسأله مشروعیت در نظریه مردم‌سالاری دینی آیت‌الله خامنه‌ای، فصلنامه دولت‌پژوهی، مجله دانشکده حقوق و علوم سیاسی، سال ۴، شماره ۱۵، صص ۱۳۶-۱۰۹.
- دوست‌محمدی، حسین؛ اختیاری امیری، رضا (۱۳۹۸)، توسعه سیاسی؛ بحران مشروعیت و کارآمدی در ایران و حکمرانی خوب؟ فصلنامه راهبرد سیاسی، سال سوم، شماره ۱۰، صص ۱۲۳-۹۱.
- دوست‌محمدی، حسین؛ علویان، مرتضی (۱۳۹۵)، واکاوی ریشه‌های مشروعیت حکومت دینی در دیدگاه‌های سیاسی امام خمینی و دکتر شریعتی، مجموعه مقالات برگزیده همایش بین‌المللی گفتمان اسلام سیاسی امام خمینی و جهان معاصر، جلد دوم، صص ۸۶۸-۸۴۳.
- روزبه، محمدحسن (۱۳۸۵)، مبانی مشروعیت در نظام سیاسی اسلام، چاپ اول، تهران، نشر کانون اندیشه جوان.
- زارع، عباس (۱۳۸۱)، عادی‌شدن فره، بحثی در مبانی مشروعیت و قدرت در جمهوری اسلامی ایران، چاپ دوم، قم، انتشارات آفتاب سبا.
- سیف‌زاده، حسین (۱۳۸۸)، پانزده مدل نوسازی، توسعه و دگرگونی سیاسی، تهران، قومس.
- شفیعی، نودز؛ صادقی، زهرا (۱۳۸۹)، گزینه‌های ایران در روابط خارجی براساس سیاست نگاه به شرق، فصلنامه راهبرد، شماره ۲۲، صص ۳۳۷-۳۰۹.
- شادلو، عباس؛ کرم‌پور، رزا (۱۳۹۴)، تحلیل رابطه بین کارآمدی و مشروعیت دولت جمهوری اسلامی ایران با تأکید بر نظریه کلاوس اوفه، فصلنامه سیاست‌های راهبردی و کلان، سال سوم، شماره ۹، صص ۱۵۹-۱۴۱.
- شجاعی‌زند، علیرضا (۱۳۷۷)، مشروعیت دینی دولت و اقتدار سیاسی دینی، چاپ اول، تهران، مؤسسه فرهنگی انتشاراتی تبیان.
- علایی، حسین (۱۳۹۱)، امنیت پایدار در سند چشم‌انداز بیست ساله جمهوری اسلامی، ایران فصلنامه راهبرد دفاعی، سال دهم، شماره ۹۳.
- علینی، محسن (۱۳۸۵)، بررسی علل و عوامل اجتماعی تأثیرپذیری ساختار قدرت از فرهنگ روستایی در جامعه ایران (پس از انقلاب اسلامی)، رساله دکتری جامعه‌شناسی، دانشگاه آزاد اسلامی.
- فوزی، یحیی (۱۳۸۳)، چالش‌های اجتماعی انقلاب اسلامی در ایران؛ بررسی تغییرات جمعیتی بعد از انقلاب و پیامدهای آن بر مشروعیت نظام سیاسی، مجله جامعه‌شناسی ایران، دوره پنجم، شماره ۳، صص ۱۹۰-۱۷۲.

- قربانی، مصطفی؛ شفیعی فر، محمد (۱۳۹۵)، ارکان مشروعیت در اندیشه آیت‌الله خامنه‌ای، فصلنامه اندیشه ولایت، شماره ۴، صص ۲۳-۴۰.
- قیصری، نورالله؛ قربانی، مصطفی (۱۳۹۴)، کارآمدی نظام جمهوری اسلامی ایران؛ مدلی برای سنجش و ارزیابی، فصلنامه علمی - پژوهشی دانش سیاسی، سال یازدهم، شماره دوم، پیاپی ۲۲، صص ۱۴۸-۱۲۹.
- قربان‌زاده‌سوار، قربان‌علی؛ ناطقی، هاشم (۱۳۹۲)، جنگ نرم و مشروعیت سیاسی جمهوری اسلامی ایران، مطالعات انقلاب اسلامی، شماره ۳۲، صص ۱۶۶-۱۴۷.
- قنبری، سمیه؛ آذرشب، محمدتقی؛ موسوی، سیدمحمدرضا (۱۳۹۵)، استحکام درونی قدرت ملی ج.ا.ا. در اندیشه مقام معظم رهبری، با تأکید بر مؤلفه‌های دفاعی - امنیتی، فصلنامه پژوهش‌های جهان اسلام، سال ۶، شماره ۴، صص ۲۱۲-۱۹۳.
- کواکبیان، مصطفی (۱۳۷۸)، مبانی مشروعیت در نظام ولایت فقیه، تهران، عروج.
- کرامت، فرهاد (۱۳۹۳)، عناصر مشروعیت‌یابی در نظام سیاسی و مردم‌سالاری دینی، فصلنامه راهبرد، سال ۲۳، شماره ۷۲، صص ۹۹-۱۱۹.
- کدیور، محسن (۱۳۷۶)، نظریه‌های دولت در فقه شیعه، چاپ چهارم، تهران، نشر نی.
- لاریجانی، علی؛ غلامی‌ابریستان، غلامرضا (۱۳۹۰)، رابطه اقتدار و مشروعیت در نظام سیاسی اسلام، فصلنامه علمی - پژوهشی علوم سیاسی و روابط بین‌الملل، صص ۹۲-۶۲.
- ملکی، علی (۱۳۹۷)، مبانی مشروعیت نظام جمهوری اسلامی ایران، تعدد تفسیرها؛ چالش‌ها و راه‌کارها، فصلنامه سیاست متعالیه، سال ۶، شماره بیست و یکم، صص ۹۴-۷۷.
- متقی، ابراهیم؛ کرامت، فرهاد (۱۳۹۰)، عناصر مشروعیت‌یابی در نظام‌های سیاسی، فصلنامه سیاست، دوره ۴۴، شماره ۲، صص ۳۵۰-۳۲۶.
- مجیدی، حسن (۱۳۹۸)، مؤلفه‌های نرم‌افزاری اقتدار و سیاست‌گذاری دفاعی در جمهوری اسلامی ایران. اداره پژوهش‌های سیاسی، معاونت سیاسی صدا و سیما، قابل دسترس در سایت:  
[https://www.iribnews.ir/files/fa/news/1398/7/8/4005964\\_254.pdf](https://www.iribnews.ir/files/fa/news/1398/7/8/4005964_254.pdf)
- مولایی، محمدرضا (۱۳۹۲)، ضرورت و کارکرد حفظ نظام در تدوین سیاست خارجی جمهوری اسلامی (با تأکید بر اندیشه سیاسی امام‌خمينی (ره))، فصلنامه مطالعات انقلاب اسلامی، سال دهم، شماره ۳۲، صص ۹۶-۷۹.
- محمودخانی، زهرا؛ کشیشیان، گارینه (۱۳۹۵)، بررسی مقایسه‌ای گفتمان‌های سیاست خارجی دولت دهم و یازدهم و تأثیر آن بر منطقه خاورمیانه (۱۳۹۴-۱۳۸۴)، فصلنامه سیاست خارجی، سال ۳۰، شماره ۲، صص ۳۵-۷.
- نادری‌بنی، روح‌الله (۱۳۹۰)، بررسی ارکان مشروعیت در نظام ج.ا.ا. براساس الگوی دیوید بیتهام، پایان‌نامه برای دریافت کارشناسی ارشد علوم سیاسی، دانشگاه یزد.
- نامدار، مظفر (۱۳۷۶)، مبانی مکتب‌ها و جنبش‌های سیاسی شیعه در صد ساله اخیر، تهران، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی.

نصری، قدیر (۱۳۹۰)، درآمدی بر نظریه امنیت جامعه‌ای، نشر پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، تهران. واعظی، محمود؛ جنتی، علی؛ کرباسیان، مسعود (۱۳۹۳)، راهبرد سیاست خارجی برای ارتقای جایگاه اقتصادی جمهوری اسلامی ایران در شرایط جدید بین‌المللی، واحد انتشارات اتاق بازرگانی صنایع، معادن و کشاورزی.

هزارجریبی، جعفر (۱۳۸۷)، درآمدی بر نسبت حکومت و مشروعیت، تهران، انتشارات دفتر برنامه‌ریزی اجتماعی و مطالعات فرهنگی.

یوسف‌وند، یعقوب (۱۳۹۸)، نقش قدرت نرم در سیاست‌گذاری دفاعی ج.ا.ا، رساله دکتری علوم سیاسی گرایش سیاست‌گذاری عمومی، دانشکده حقوق و الهیات سیاسی از دانشگاه آزاد واحد علوم و تحقیقات.

یاسمی، علی (۱۳۹۹)، درآمدی بر منش سیاسی فرمانده مقاومت، اصول نظری و عملی سیاست در مکتب شهید حاج قاسم سلیمانی، قابل دسترس در سایت:

<https://csr.ir/fa/news/1240/%D8%A7%D8%B5%D9%88%>

(البته این صفحه در حال حاضر در دسترس نیست)

#### منابع انگلیسی:

- AbediArdakani, Mohammad. MirhosseiniyedMohsen,ZangenehGHasemabadi, Zahra(2016).Feasibility of the use of three types of Max Weber's Legitimacy in the system the Islamic Republic of Iran, International Journal of Humanities and Cultural Studies ISSN 2356-5926.P:1625-1641
- Fred W. Riggs(1962)Contributions to the Study of Comparative Public Administration Howard E. McCurdy, American University
- Kaplanova, Patricia(2017) Essay on Legitiacy and democracy, Izziviprihodnosti/ Challenges of the Future, Letnik/ volume2, stevilka/ number 1, str./ pp.16-26
- Olivier Roy(1999)The Crisis of Religious Legitimacy in Iran,Middle East Journal Vol. 53, No. 2 (Spring, 1999), pp. 201-216 (16 pages)Published By: Middle East Institute <https://www.jstor.org/stable/4329317>Cite this Item
- Weber, Max,(1964). The Theory of Social and Economic Organization, Talcott Parsons (ed.), New York: Free Press

